

پژوهشی در قطعات فیگوراتیو دن ویتز در هنر خیابانی نیویورک

زهرا افخمی

دانشجوی کارشناسی ارشد رشته نقاشی دانشکده هنر و معماری دانشگاه یزد

دکتر علی اکبر شریفی مهرجردی

استادیار دانشکده هنر و معماری دانشگاه یزد

چکیده

دن ویتز^[1] از جمله پیشگامان هنر خیابانی است که در شهر بروکلین متولد شد. او کار خود را در سال ۱۹۷۹ تحت تأثیر فرهنگ پانک آغاز نمود. آثار این هنرمند به شیوه های پیررئالیست و با حالتی طعنه آمیز و نیش دار با موضوع فیگور انسانی و گاهی حیوان ارائه می شوند. او حیوانات و انسان ها را در پشت پنجره های میله ای و شبکه های فلزی کثیف موجود در پیاده روها در حالتی زندانی و به دام افتاده به نمایش می گذارد. آثار وی چنان با محیط شهری در هم می آمیزد که به ندرت رهگذران متوجه آن ها می شوند و البته در صورت جلب توجه سبب شگفتی و مبهوت شدن عابران می گردد. مراحل کاری دن ویتز را می توان در سه مرحله: نقاشی دیواری های رنگی، برجسب های دیواری و نصب قطعات بر روی دیوار خلاصه کرد. دن اظهار می دارد آنچه که موجب شکل گیری فرآیند کاری وی شد، نیاز شدید وی برای اجرای هرچه سریع تر اثرش بر روی دیوارها بود.



در دهه ۸۰ و ۹۰ قبل از اینکه افراد زیادی هنر خیابانی را انجام دهند، یک حس عمومی وجود داشت مبنی بر اینکه این هنر یک هنر بیگانه است و هنرمندان پیرو آن به این دلیل انجامش می دهند که خواهان جلب توجه هستند و نمی توانند هنر خود را داخل گالری های حقیقی به نمایش گذارند. حتی گاهی این تفکر وجود داشت که ممکن است این افراد کمی دیوانه باشند. اما امروزه، هنر خیابانی به عنوان جنبشی نوامیه و نوپرست جایگاه خود را در روال تاریخ هنر یافته و توجه همگان را به سوی خود جلب نموده است. از هنرمندان فعال در این جنبش - که از پیشگامان واقعی هنر خیابانی نیز به شمار می آید - هنرمندی است اهل بروکلین^[۱] - ۱۹۵۷ م - که «دن ویتز» نام دارد؛ دن کار خود را در سال ۱۹۷۹ تحت تأثیر فرهنگ پانک آغاز نمود و به سرعت به یکی از پیشگامان هنر خیابانی تبدیل شد. او اصول سنتی دنیای هنر را به چالش کشید و به تمرکز بر هنر شهری پرداخته و با بیانی آزادانه، آثاری را در خیابان ها و شهرهای مختلف خلق نمود.

دن ویتز دارای آموزش های رسمی گسترده ای است که شامل مطالعات علمی هنرهای زیبا و طراحی می شود. او بورس های تحصیلی و جوایز بسیاری کسب نموده، از دیگر مراتب علمی اش تأسیس مؤسسه ای مانند «بنیاد هنری نیویورک» و «موسسه ملی هنر» و نیز برگزاری نمایشگاه هایی در گالری های مطرح جهان، می توان نام برد.

دن کار خود را با تمرکز بر روی «هایپر رئالیسم»^[۲] در آثار نقاشی خود آغاز نمود و بعداً این روش را در آثار خیابانی نیز به کار برد. مشخصه آثار دن ویتز نوعی رئالیسم کنایه دار و طعنه آمیز است، از این رو آثارش به راحتی قابل شناسایی و تمایز می باشد. دن یک هنرمند خیال پرداز تمام و کمال است، او احساسات انسان را تحریک می کند و خود را وقف هنر خیابانی کرده است. سبک کاری او یک انسان گناهکار و بدجنس را به نمایش می گذارد و در پروژه های حساب شده خود، تفسیرهای گوشه دار و تلخی را به معرض دید می آورد. آثار او به شدت با معماری شهری مرتبط است، او کسی است که لطف شاعرانه را با آسفالت می آمیزد و مرغان مگس خوار را به صورت دستی روی دیوارها نقاشی می کند. در جایی، دست ها را زیر دریچه لوله کشی آب - به گونه ای واقعی چسبیده به میله های آهنی ترسیم می نماید و چنین به نظر می رسد که فردی در داخل به دام افتاده، به میله ها چنگ می زند تا به نور روز برسد. دن با استفاده از مهارت های بازنمایی اش به خلق توهماتی از نور، فضا و حرکت پرداخت، به گفته دن آنچه در خلق این آثار بیشترین اهمیت را برای وی دارد لحظه ای است که مخاطب در آنجا حضور دارد، لحظه ای که مخاطب رویکرد و اعتقادات خود را در حالت تعلیق قرار می دهد و خودش را به جهان نقاشی واگذار می کند. در این لحظه افکار انسان مختل می شود و انسان به مکان ناشناخته ای سیر می کند.

اغلب آثار خیابانی دن در شهر نیویورک انجام شده اند اما او به جز نیویورک در شهرهای دیگری چون لندن، پاریس، کوپنگهان، لس آنجلس، سانفرانسیسکو، آمستردام و چند جای دیگر نیز کار کرده است. دن شهر لندن را - پس از نیویورک - دومین شهر مورد علاقه خود برای اجرای هنرش می داند چرا که بنا به گفته او عامل نور در این دو شهر کاملاً شبیه هم بوده و برای کار احساسی وی مناسب است.

دن ویتز در مورد نحوه شروع هنر خیابانی اش چنین می گوید:

"من یک پانک در مدرسه هنرهای زیبا بودم، بسیار ناراضی و بی نهایت مغرور! برای من لغت «حرفه» یا «کار» در کنار هنرمند، به معنی فروش تمام آثارم بود. راستش را بخواهید در آن زمان حتی اگر خودم هم می خواستم آثارم را بفروشم کسی خریدار نبود. حقیقت این است که من نقاشی خیابان را به این دلیل شروع کردم که دوست داشتم تابستان ها بیرون

2-Brooklyn

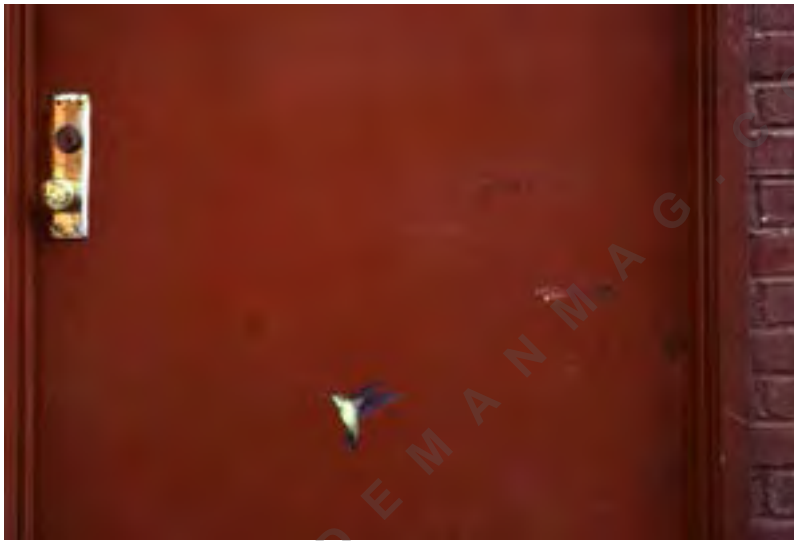
3-Hyperrealism

از خانه باشم. من تا حدودی می دانستم که این جنبش تا چه حد بیگانه و ناآشناست، البته در آن زمان بسیار نگران بودم که این روند نقاشی به چه میزان سخت و خطرناک است و چقدر می توانستم از فکر کردن به آن لذت ببرم."

دن ویتز در اواخر دهه ۱۹۷۰ به عنوان یک دانشجوی هنر در پایین شهر نیویورک هنر خیابانی خود را شروع کرد. با این تفکر که دنیا محل سردرگمی است و بسیار نیاز به تغییر دارد، پس کار هنرمندان نه فقط به چالش کشیدن سیستم بلکه تغییر آن نیز خواهد شد. او معتقد بود به نمایش گذاشتن نقاشی ها بر دیوارهای سفید گالری ها، اذهان بسیاری را به سمت تغییر نخواهد برد؛ بنابراین در جستجوی تأثیرات سریع بیشتر، هنر خیابانی خود را شروع کرد.

دن معتقد بود که اولین بمباران متروها به وسیله هنرمندان خیابانی، واقعاً بروی تأثیر نهاده و او را به فکر فرو برده است. درست در سال ۱۹۷۸ گرافیتی آمادگی این را پیدا کرد که یک جنبش هنری بشود؛ این جنبش درخشید و دارای سلسله مراتب و قوانینی شد، اما هنوز برای دن غیرقانونی و جذاب بود؛ دن معترف بود که مسلماً این هنرمندان بر وی تأثیر گذاشته اند تا در فضای باز و روبروی مردم کار کند. دن ارتباطش را به صورت واقعی با نقاشی گرافیتی در اواسط دهه ۹۰ آغاز کرد و با الهام گرفتن از دیوار نوشته های ترس آور متروهای زیرزمینی شروع به برچسب زدن بر دیوارها نمود. او سعی دارد تا در آثارش با نیش ها و طعنه ها اشتباهات بورژوازی را یادآور شود و نیز - طعنه هایش - واکنشی باشد بر علیه هنرمندان جدیدی که در خیابان ها مشغول فعالیت هستند.

دن ویتز انجام دادن هنر خیابانی را ماهیتاً یک عمل پرخاشگری فرهنگی می دانست و معتقد بود «چون مخاطب آن عوام و مردم عادی هستند سعی می کنم جانب احتیاط را رعایت کنم اما من هم چنان یک پانک هستم». از نظر دن، مهم ترین علت از هم پاشیدن و تفکیک شدن جنبش پانک این بود که هنرمندان این جنبش هیچ گونه مراقبت و حمایتی از خود انجام نداده اند؛ آن ها اهمیت برای رضایت



تصویر شماره ۱: دن ویتز؛ پرنده مگس خوار،
Dan Witz. Hummingbirds.N.I.C.1979



تصویر شماره ۲: دن ویتز؛ کلاه پوش
Dan Witz. Hoody (st).N.Y.C.1994.silkscreen poster on metall door

جرم و جنایت، بی خانمانی و استفاده از موادمخدر در خیابان‌های این شهر بسیار شایع بوده و علاوه بر این، تعداد نگران‌کننده‌ای نیز حامل بیماری و یا در حال مرگ به وسیلهٔ ایدز بوده‌اند. دن بیان می‌دارد که از نظر من این موارد همچون روزهای بی‌پایان طاعون در یک جامعه هستند. بنابراین هنرمند از این کاراکتر - فردی با روپوش کلاه‌دار - به عنوان یک نشانه و یک کهن‌الگو از مفهوم ناامیدی استفاده نمود؛ البته دن اذعان می‌دارد که هدف وی برای ترسیم چنین تصویری در خیابان‌ها قبل از اینکه فی‌النه‌ای حای پیامی باشد، در واقع یک «تجسم شوم» داخل خیابان‌های پر رفت‌وآمد شهر نیویورک است.

اگر دن در مناطق حاشیه و حومه‌ای کار می‌کرد می‌توانست این سبک را ادامه دهد و آگاهانه دیوارهایی را برای کار انتخاب نماید؛ اما او کار خود را در اواخر دههٔ ۹۰ با تحمل پلیس نیویورک که توسط برخی از مردم آورده می‌شد، انجام می‌داد؛ بنابراین اصلاً نباید در حال انجام کار دیده می‌شد و به این خاطر مجبور شد تا سبکش را با این شرایط تطبیق دهد.

در پی هدف انجام هنر خیابانی در کمترین زمان ممکن، قطعات هنری اخیر دن حالا دیگر در کارگاه وی ساخته شده، سپس در محل نصب می‌شوند و معمولاً کمتر از یک دقیقه زمان می‌برند (تصویر شماره ۳). این نیاز به سرعت در انجام کار، دن را وادار نمود تا

خاطر مردم قائل نبودند و حتی گاهی اوقات - به طور فعال - از مردم می‌خواستند تا آن‌ها را دوست نداشته باشند! این مورد بر افکار دن تأثیر نهاد و به اعتقاد خودش، او را از بسیاری جاه طلبی‌های نامردانه رها می‌کرد، بنابراین اگر فردی راجع به کار وی خوشحال بود، دن در این مورد نگران می‌شد.

پرندگان مگس خوار جزیرهٔ مان هاتان، اولین پروژه‌های هنر خیابانی دن به حساب می‌آیند (تصویر شماره ۱). این مجموعه بیش از ۴۰ مرغ مگس خوار را شامل می‌شود که در سال ۱۹۷۹ در خیابان‌های این جزیره در اندازه‌ای واقعی و با حالتی معصوم و بی‌آلایش ترسیم شده‌اند؛ دن برای خلق این مجموعه، از رنگ‌های اکریلیک و قلم موهای کوچک و نیز تکنیک لایه‌گذاری و محو نمودن استفاده کرد؛ او تلاش نمود تا برای خلق این پرندگان از رنگ‌هایی درخشان و براق استفاده کند تا همچون یک مرغ مگس خوار واقعی در نظر آیند. هر مرغ مگس خوار، حدود دو ساعت طول می‌کشید تا نقاشی شود؛ که البته به علت هرج و مرج بالا و شلوغی شهر نیویورک، دن می‌توانست با آرامش و بدون جلب توجه کسی کارش را به انجام رساند.

در آثار بعدی در دههٔ ۸۰ و ۹۰ دن برجسب‌هایی حاوی چند تصویر - ایجاد شده به وسیله نرم‌افزار فتوشاپ - را بر روی دیوارها نصب کرد و با رنگ‌پاش سایه رنگ‌هایی را بر روی دیوار و تصاویر ایجاد می‌کرد. این نوع نصب یا چیدمان همچون یک مانور پیچیده در حالت رقص باله بود که می‌توانست بیش از نیم ساعت به طول انجامد. از جملهٔ این آثار، می‌توان به مجموعهٔ «کلاه پوش»^[۴] (تصویر شماره ۲) اشاره نمود. این دسته از آثار به اوایل دههٔ ۱۳۹۰ مربوط می‌شوند. به تعبیر دن ویتز، H در این مجموعه یک علامت خطر بود، علامتی از نبودن رهایی و آزادی. بسیاری از مردم فکر می‌کردند که این آثار حامل پیامی مبنی بر مبارزه با مواد مخدر است، چراکه نقاش آن‌ها را در مناطق فروش مواد ترسیم کرده بود. اما هدف دن بسیار گسترده‌تر از این موضوع بود. در ورای چهرهٔ ظاهری شهر نیویورک، این شهر مکانی بود بسیار محزون و غم‌انگیز! چراکه

4-Hoody



واقعی -یا هر چیز دیگری- در آنجا وجود دارد. در آثار اخیر، از رسانه‌های دیجیتال استفاده کرد و روی آن را با تمام ترفندهای توهم‌سازی نقاشی نمود. این ترفندها معمولاً به صورت لعاب‌کاری، برجسته‌کاری ارائه و نصب این آثار -که به صورت قاب شده هستند- بر روی درهای چوبی انجام می‌گرفت. او ایده‌های خلق آثارش را واکنشی نسبت به آخرین کاری که انجام داده است می‌داند و تلاش می‌نماید کمبودها و کاستی‌های پروژه‌های قبل را اصلاح و برطرف نماید. او معتقد است که این حالت، که گاهی اوقات چالش‌برانگیز است، برای شخصیت خستگی‌ناپذیر و ناراضی وی می‌تواند مفید باشد و باعث پیشرفت و تحول در آثارش گردد.

دن ویتز معتقد به هنری بی‌نام و آزاد، بدون هیچ برنامه پیشرفته‌ای بود. او بیشتر از اینکه برای جلب توجه مردم و عوام در رقابت باشد، تلاش نمود تا آثار و نصب‌هایش را آنقدر دقیق انجام دهد و با محیط شهری منسجم کند که عملاً غیرقابل دیدن باشند:

او می‌گوید: «هیچ چیز برای من آنقدر رضایت‌بخش نیست که روزانه هزاران نفر در حالت بی‌خبری از کنار پنجره‌های شبکه‌ای او عبور می‌کنند و متوجه آن نمی‌شوند»؛ دن در سال‌های اخیر هنگامی که «اعمال تاریک»^[۵] را نقاشی می‌کرد تلاش کرد تا آن‌ها را هماهنگ با محیط بسازد به نحوی که ۹۹ درصد از افرادی که از آنجا عبور می‌کنند به آن توجهی نداشته باشند. وی در این مورد می‌گوید:

«این بیش از آنکه به نظر می‌رسد، جذاب بود. هیچ‌کس حتی آثار من را ندیده بود درحالی‌که آن‌ها کاملاً در معرض دید بودند. تماشا کردن کسانی که بی‌توجه به تصویر زندانی زنجیری برهنه قدم می‌زدند گویی از آن‌ها فاصله زیادی دارد برای من تجربه‌ای رضایت‌بخش در هنر خیابانی‌ام است. من همچنان به گمنام بودن هنرم معتقدم نه هنری برای فروش. هنر من واکنشی است علیه هنر جهانی و یک تغییردهنده در روند آن».

در مجموعه آثار «اعمال تاریک»، «درنگاهی ساده»^[۶] و «دیوارهای ماتم زده»^[۷]

5- Dark doing
6- In plain view
7- Wailing Walles



تصویر شماره ۲: دن ویتز؛ ویلیام اسبورگ
Dan Witz. Williamsburg. Brooklyn. 2008. mixed media on wall

تکنیک‌های جدیدی را به کار گیرد و بدین وسیله کارهای خیابانی بیشتری را انجام دهد. دن معتقد بود که این تکنولوژی جدید او را خصوصاً از لحاظ مالی آزاد کرده است، چراکه تا آن زمان قانون اصلی دن برای کاری که قصد انجام آن را داشت این بود که آیا از عهدهٔ مخارج مالی آن بر می‌آید یا نه؟ و این معمولاً به این معنی بود که نمی‌توانست کاری که می‌خواهد را انجام دهد!

و رنگ گذاشتن است اما دن رنگ‌پاشی را به همه اینها ترجیح می‌داد:

«هیچ قطعهٔ خیابانی توسط من انجام نشده مگر اینکه حداقل یک ذره روی آن را با ایربراش (رنگ‌پاشی) کار کرده‌ام. صادقانه، من واقعاً مطمئن نیستم که چرا این کارها اینقدر خوب جواب می‌دهد اما هنگامی که بعد از رنگ‌پاشی یک قدم به عقب می‌روم هر چیزی چنان به حالت سه‌بعدی درآمده که واقعاً راضی‌کننده است».

آثار خیابانی دن ویتز اغلب با تکنیک ترکیب مواد بر روی چاپ‌های دیجیتال و سپس بر روی پلاستیک ایجاد گشته‌اند؛ در این روش او به تضادهای رنگی خاصی دست می‌یابد که سبب تأکید بر ظاهر رئالیستی اثر می‌شود. او از هر چیزی برای خلق اثرش استفاده می‌کرد. هدفش این است که کار را جوری انجام دهد تا به نظر برسد یک انسان



تصویر شماره ۴: دن ویتز؛ نقطه سبز
Witz Dan. Greenpoint. brooklyn. 2008. Mixed media on wall



تصویر شماره ۶: دن ویتز؛ دهکده شرقی
Dan Witz. East village.N.Y.C.2008. Mixed media on wall



تصویر شماره ۷: دن ویتز؛ دیوارهای ماتم زده
Dan Witz. Wailing walls.2012.Frankfurt

دن ویتز در بخشی از آثار خود افرادی را در حالت اسارت و زندانی شدن به نمایش گذاشته است. در این قطعات شخصیت‌های اسیر شده، تصورات پنجره و میله‌های آهنی یک احساس کامل را سبب می‌شود. او در مورد نحوه گرایشش به این سمت این گونه بیان می‌دارد که در یک دوره به دلیل مسائل و مشکلات مالی، از فعالیت‌هایش کاسته و منزوی شده بود. در همین دوران بود که سازمان بین‌المللی عفو عمومی با او تماس گرفت



تصویر شماره ۵: دن ویتز؛ اعمال تاریک
Dan Witz. From the Dark doing series.2009.N.Y.C

(تصاویر شماره ۴، ۵، ۶). دن تصاویری از حیوان و انسان را در حالتی فراموش‌نشده که پشت پنجره‌های شیشه‌ای کثیف به دام افتاده‌اند - گویی برای چیزی کمین نموده یا انتظار می‌کشند - در محیط شهری نصب می‌کند؛ او در این آثار تحت تأثیر سفر اخیر خود به منطقه نورقرمز آمستردام قرار گرفته است. دن تلاش نمود تا از گرایش جمعی که راه رفتن در حالت خواب‌آلودگی و بی‌خبری است استفاده کند و موضوعاتی نفرت‌انگیز و شرم‌آور را در محل‌های پر ترافیک مثل فرودگاه‌ها و ایستگاه‌های اتوبوس تعبیه نماید، به طریقی که در نظر مردم عملاً نامرئی جلوه نماید. هدف دن آشکار ساختن هنر روبروی مردم است هرچند اکثر کسانی که از آنجا عبور می‌کنند متوجه آن نمی‌شوند! او می‌گفت: «امیدوارم هیچ‌کس و هیچ وقت آن‌ها را نبینند!»

برای خلق این آثار آنچه که برای دن از اهمیت بالایی برخوردار است جنبه‌های واقع‌گرایی اثر و به دنبال آن خطای چشم است. دن علاقه‌مند بود تا اولین واکنش افرادی که با این تصاویر مواجه می‌شوند را تماشا کند. او دوست داشت تا اولین واکنش مردم در مواجهه با اثر یک «شک» باشد و به دنبال تحریک احساسات، در ذهن آن‌ها سوالی مطرح شود که «این دیگر چیست؟!». این آثار به نحوی اجرا شده‌اند که علاوه بر شکه کردن مخاطب، او را در تشخیص مرز بین واقعیت و هنر به اشتباه می‌اندازند و مخاطب را متعجب می‌کنند که این یک اثر هنری و کار هنرمند است نه یک انسان واقعی!





تصویر شماره ۸: دن ویتز؛ دیوارهای ماتم زده
Dan Witz. Wailing walls. 2012. Frankfurt



تصویر شماره ۹: دن ویتز؛ دیوارهای ماتم زده
Frankfurt. 2012. Dan Witz. Wailing walls



تصویر شماره ۱۰: دن ویتز؛ باجه‌های تلفن
London. 2012. Dan Witz. Phone boxes



تصویر شماره ۱۱: دن ویتز؛ باجه‌های تلفن
Dan Witz. Phone boxes. 2012. London

تا در مورد مبارزه انتخاباتی آن‌ها در سال ۲۰۱۲ همکاری نماید و بی‌عدالتی روا شده بر مردمی که به خاطر نظریات سیاسی‌شان زندانی شده‌اند را به نمایش گذارد.

دن قبلاً نیز به نقاشی از زندانیان پرداخته بود، اما حالا هدف این بود که اینها به معنای واقعی زندانی باشند. اینها بیشتر از اینکه سمبل یا نمادی از افراد زندانی باشند، افرادی واقعی با اسامی و عناوین تاریخی بوده‌اند. این کار در تابستان سال ۲۰۱۲ در فرانکفورت انجام شد و «دیوار ماتم‌زده» نام گرفت (تصاویر شماره ۸ و ۹). این آثار، ترکیبی هستند از هنر خیابانی، رسانه‌های اجتماعی و فناوری کد QR، مجموع این عوامل سبب می‌شود تا اثر، برای بینندگان خود تجربه‌ای جذاب را ایجاد نماید. دن اعتراف می‌کند که این کار، برای وی چالش برانگیزترین و بی‌رمق‌ترین کاری بود که تا به حال انجام داده و البته می‌توان گفت بهترین همکاری‌اش تاکنون بوده است؛ چراکه این نوع از کار راجع به چیزی بیش از هنر یا خود او بود.

دن در دسته‌ای دیگر از آثارش در شهر لندن، به تغییر شکل اتاقک‌های تلفن پرداخته است. او خود بیان می‌دارد که در مورد اجرای این موضوع نگران بوده است، چرا که این کار، پتانسیلی داشت که چرند یا مسیر اشتباهی باشد. دن در ادامه می‌گوید:

«صادقانه بگویم من فقط دوست داشتم ریسک کنم، چنان‌که نتوانم خودم را کنترل نمایم. شبیه‌سازی زندانیان همیشه رزومه خوبی برای آثار من به نظر می‌رسید؛ اما مجموعه آثار کیوسک‌های تلفن با آنچه که دلخواه من بود یعنی محو کردن و ناپدید شدن سوزدها مناسب‌تر داشت، چراکه نمایش بیش از اندازه انسان‌های داخل کیوسک لازم نبود، هم‌چنین این کیوسک‌ها در همه جا حاضر بودند. البته این آثار برای من خیلی رضایت‌بخش نبود! شاید به این دلیل که انجام آن‌ها خیلی سخت و چالش برانگیز بود، هوای زمستان، دوربین‌ها، ترافیک خارق‌العاده اشخاص جاسوس نگهبان و این واقعیت که آن کیوسک‌های تلفن چیزی شبیه به کشتی جنگی WWI را می‌سازند که تمرین کردن در آن غیرممکن است. از نظر من غلبه کردن بر موانع و سختی‌ها نتیجه کار را لذت‌بخش‌تر می‌کند؛ من باید از پلیس ترافیک به خاطر اینکه اولین بار من را تعقیب کرد قدر دانی کنم!» (تصاویر شماره ۱۰ و ۱۱)

البته لازم به ذکر است کارهای دن همیشه چنین جدی نیست؛ برخی از کارهای بسیار زیبایی او «شوخی‌ها»ی او هستند. برای مثال مجموعه آثار «وارد نشوید» را می‌توان نام برد و یا آن دسته از آثاری که علامت‌های راهنمایی رانندگی را در خیابان قرار می‌داد و روی آن چنین می‌نوشت: «حتی به فکر کردن در مورد پارک کردن در اینجا هم فکر نکن!» (تصاویر شماره ۱۲ و ۱۳)

دن در مورد انتخاب محل نصب آثارش معتقد است که بنابه نوع پروژه، دقت در انتخاب و بررسی محل نیز متفاوت است؛ برخی چیزها لازم است که در محل‌های دقیق و مشخص باشند اما برای بقیه چیزها به محل رفته و اجازه می‌دهد هر اتفاقی بیفتد. در اکثر موارد این خود اوست که انتخاب می‌کند کارهایش را در کجا انجام دهد یا نصب کند. این امر بستگی به عوامل مختلفی دارد: اول، موضوع کار است و باید جایی انتخاب شود که بیشترین طنین را برای اثر داشته باشد. سپس شیء یا بستر واقعی و اینکه چه چیزی لازم است تا کار روی آن نصب شود و البته مهم‌ترین چیز جایگاه کار است: آثار باید در جایی نصب شوند که اکثر مردم بتوانند آن‌ها را ببینند و البته مکانی که آثار در آنجا خیلی آسیب‌پذیر نباشند. و در آخر جایی که به خاطر نصب آن گرفتار نشود! از نظر دن، این بخش آخر، شامل یک محاسبه پیچیده می‌شود که بیش از هر فرایند دیگری نیاز به خلاقیت دارد.

دن ابراز می‌دارد که در زمان کار کردن در بیرون، حتماً باید با محیط پیرامون در تقابل نزدیک باشد و تمرکز نماید؛ از نظر او در چنین شرایطی موسیقی و حتی



تصویر شماره ۱۳: دن ویتز؛ وارد نشوید!

London, ۲۰۰۹. Dan Witz. From the Do Not Enter series



تصویر شماره ۱۲: دن ویتز؛ وارد نشوید!

Dan Witz. From the Do Not Enter series. 2009.

Brooklyn

صحبت با اطرافیان نیز خطرناک است. او حتی دوست ندارد دوستانش وی را در حین کار تماشا کنند یا عکس بگیرند. به همین دلیل کمتر عکسی وجود دارد که این هنرمند را در حال انجام هنر خیابانی اش نشان بدهد. دن معمولاً برای نصب هایش از موتورسیکلت خود استفاده می کند که به او آزادی و انعطاف پذیری می دهد؛ البته برای فرار سریع هم مناسب است.

نتیجه گیری

دن ویتز، یکی از پرکارترین هنرمندانی است که امروز در خیابان های نیویورک مشغول به کار است، با حرفه ای که قدمت آن به سال ۱۹۷۰ برمی گردد. او از طریق هر پروژه به اصلاح و بهتر شدن تکنیک و سبکش ادامه داد؛ با این حال هیچ گاه نگرش اصیل زیباشناسانه و اهداف ایدئولوژیک خود را از یاد نبرد. نقادان و صاحب نظران اذعان نموده اند که آثار دن یکی از رساترین صداها در تاریخ جنبش ها است. او کسی است که اهداف و مقاصد هنرمندان خیابانی را ضمن اینکه تعریف می کند به چالش نیز می کشد. قطعات خیابانی دن، انسان و حیوانات به دام افتاده در پشت میله ها را در برمی گیرد که همواره تعجب و تأسف رهگذران را برمی انگیزد. ■

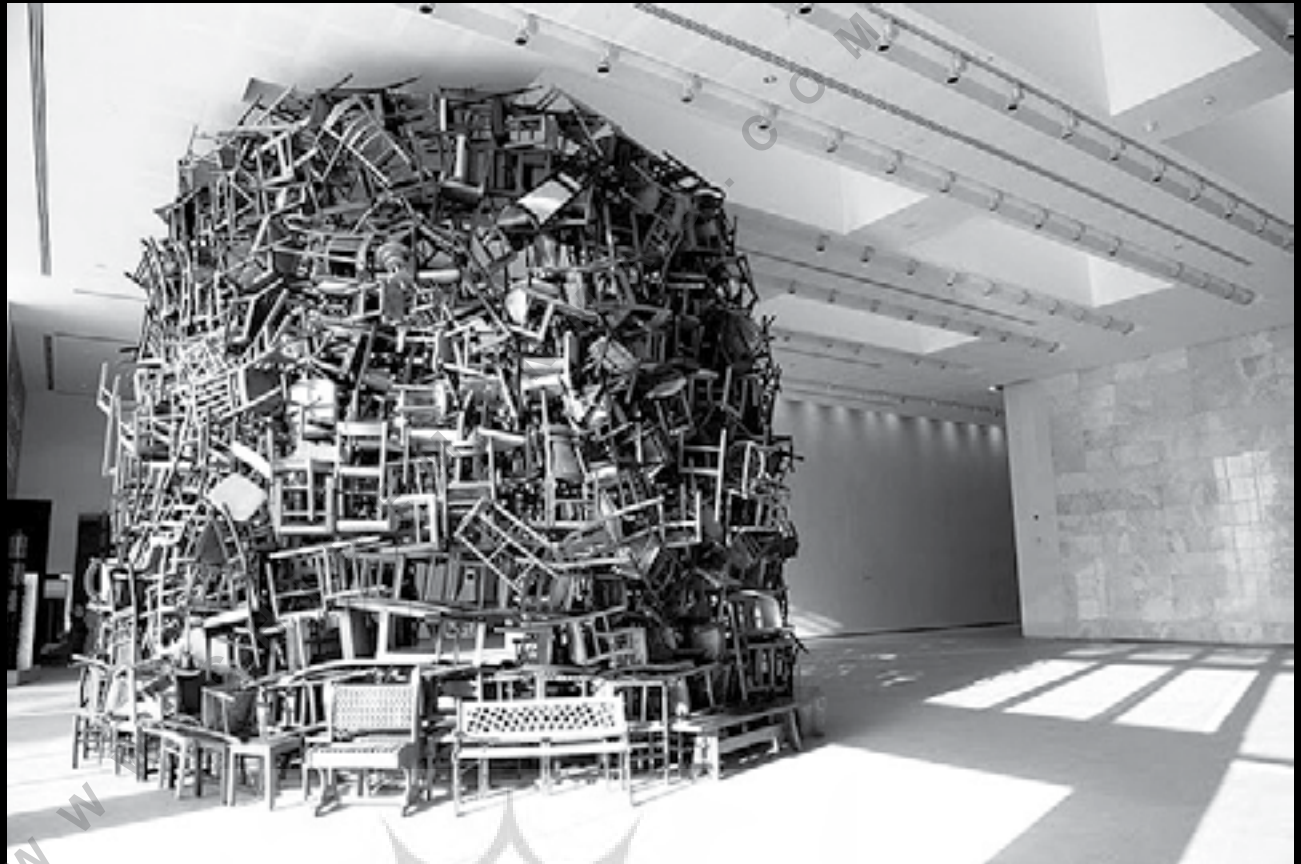


تصویر شماره ۱۴

منابع

- 1- www.artchival.proboards.com
- 2- www.streetartlondon.co.uk
- 3- www.justseeds.org
- 4- www.wunderkammern.net
- 5- www.lazinc.com
- 6- www.Best street smagazine.blogspot.com





Tadashi Kawamata

Born 1953, Hokkaido, Japan.

Taking his inspiration from the history and the topography of the locations, Tadashi Kawamata is responsible for works, which change the configuration and architecture of the locations.

He creates smashing art installations using scrap materials and repurposed objects like pallets, waste wood, and in this case hundreds of assorted chairs. Made from a mixture of all kinds of seats - including armchairs, sofas, benches and stools - the habitable sculpture pays homage to humanity's diversity, unity and interconnectedness.

Chairs for Abu Dhabi

It took Kawamata five days to build Chairs For Abu Dhabi, a brilliant structure that reaches the gallery's 20-foot-tall ceiling. The art piece was one of the main attractions at Abu Dhabi's 2012 biennale, where it provided the bustling event with an iconic eco-friendly pavilion that was difficult to miss. Formidable, convenient and unique, the shelter served as a popular meeting point throughout the festival.

تاداشی کاواماتا

متولد ۱۹۵۳، هوکایدو، ژاپن

ترجمه: مریم ابراهیمی

"تاداشی کاواماتا" با الهام گرفتن از تاریخ و توپوگرافی مکان‌ها، خالق آثاری می‌باشد که پیکربندی و معماری آن‌ها را تغییر می‌دهند. پل پیاده‌رو، مسیرها، پل‌های بلند یا برج‌ها که وی از تخته‌های چوبی می‌سازد اتصالات جدید و درک تعدیل یافته‌ای از معماری و فضا را ارائه می‌دهند.

چیدمان‌های خلاقانه او با استفاده از مواد اوراق و اشیایی مثل تخته پهن، ضایعات چوب، و در این مورد هزاران صندلی ایجاد می‌شود. چیدمانی که از انواع متفاوت صندلی، شامل صندلی راحتی، مبل، نیمکت، و سه‌پایه استقرار یافته، مجسمه‌سازی است با تنوع، وحدت و ارتباطات که به نوعی ادای احترام به بشریت است.

صندلی‌هایی برای ابوظبی

پنج روز طول کشید تا "تاداشی کاواماتا" اثر صندلی‌هایی برای ابوظبی را بسازد، ساختار هوشمندانه‌ای که دارای ارتفاعی به اندازه سقف ۲۰ فوتی گالری بود. این قطعه هنری، یکی از جذابیت‌های اصلی در بی‌ینال ۲۰۱۲ ابوظبی بود جایی که به سختی می‌شد این رویداد شلوغ و سازگار با محیط دوستانه و نمادین عمارت راز دست داد. و به پناهگاهی ترسناک، راحت و منحصر به فرد به عنوان نقطه معروف ملاقات و گردهمایی در کل این جشنواره تبدیل شد.